



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سلسله مراتب قواعد حقوقی

عابد رمضانپور بلوچی^۱، حجت الله ابراهیمیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

چکیده

تولد، حیات و ممات هر نهادی در بدنه هر نوع نظام حاکمیتی مردم‌نهادی باید بر اساس رعایت قوانین و ضوابط حاکم بر آن نظام صورت گیرند و باید پذیرفت که رعایت قانون و تمکین در مقابل آن از سوی تمامی بخش‌های حکومت امری ضروری است و هرگونه ابهام و استتکاف در این خصوص، می‌تواند منجر به سلب اعتماد مردم و ایجاد گسست میان حکومت و ملت گردد. شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان نهادی در در بدنه نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران که حکومتی مدرن‌سالار است، در سال ۱۳۶۳ با توجه به مقتضیات زمان به فرمان امام خمینی (ره) و برای کمک و مشورت به سایر قوا بالأخص قوه مجریه در امور فرهنگی و دانشگاهی و در جهت تعیین خط‌مشی کلی فرهنگی کشور تأسیس گردید؛ لیکن با توجه به گستردگی که در طی حیات خویش، در خود ایجاد نموده و با توجه به بودجه قابل توجه و شمار مصوبات آن، به نظر می‌رسد که در برخی موارد با عدول از وظایف و اختیارات خود، اقدام به وضع مواردی «در حکم قانون» و حتی ورای قوانین عادی می‌نماید و این امر در حالی صورت می‌گیرد که ایجاد و حدود صلاحیت نهاد مذکور هرگز به‌صورت قانونمند از سوی قوه مقننه به عنوان مهم‌ترین رکن قانون‌گذاری در کشور به رسمیت شناخته نشده است؛ لذا پژوهش حاضر با شیوه تحلیلی - توصیفی و به‌صورت استدلالی در پی پاسخ به جایگاه این شورا و مصوبات آن می‌باشد تا از این رهگذر بتواند به برخی از پرسش‌ها و نقدهای موجود پایان دهد؛ البته به نظر می‌رسد که با وجود تحلیل شورا در خصوص در حکم قانون دانستن مصوبات آن و آنچه در عمل با آن مواجه هستیم، راه‌حل حقوقی موضوع در به رسمیت شناختن شورا و تصویب حدود وظایف و اختیارات آن توسط نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی نهفته است تا از این رهگذر به‌صورت نهادی قانونی جهت مشورت، سیاست‌گذاری و احیاناً صدور آیین‌نامه‌های دولتی در خصوص مسائل فرهنگی در لوای قوه مجریه به فعالیت‌های خود ادامه دهد.

کلید واژگان: شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرمان رهبر، قانون اساسی، قانون نگاری، مجلس شورای اسلامی.

^۱ مری، عضو هیات علمی واحد بندر انزلی. (نویسنده مسئول) abediau8@gmail.com

^۲ استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۱- مقدمه

قانون اساسی به عنوان قانون برتر در جوامع مردم سالار با هر گونه تغییر و ایجاد نهادهای موازی جهت قانون گذاری مخالف بوده و شاید چنین موضوعی را می توان نمودی از عدم تاب آوری حکومت بر حق حاکمیت مردم بر خودشان قلمداد کرد؛ زیرا مردم چنین نهادهایی را خود انتخاب نکرده اند و در چنین مواردی باید در آینده در انتظار تبعات تالی و فاسد چنین امری در جامعه بود و خسارات وارده می تواند بسیار پرهزینه و حتی جبران ناپذیر باشد و شاید اصلی ترین خسارت در این زمینه را بتوان در کاهش اقبال عمومی به اوامر حکومتی دانست؛ چراکه چنین مواردی به وضوح منجر به سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت می گردد.

با نگاهی گذرا به مقدمه قانون اساسی کشور ایران می توان دریافت که «... قانون اساسی ... در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان» اقدام می کند و لذا این شیوه نگاه به حکومت در نظام جمهوری اسلامی ایران با هر آن چیزی که با این مطلب در تناقض باشد و آن را خدشه دار نماید، قابل جمع نیست.

شاید بتوان قوه مقننه را مؤثرترین و محترم ترین رکن در ارکان نظام حاکمیتی قائل به تفکیک قوا به شمار آورد که وضع قواعد لازم الاجرا از مهم ترین کارکردهای آن به شمار می آید و بناچار به طور توأمان واجد ویژگی هایی از جمله انتخابی بودن، نظارت تفسیری بر قوانین و داشتن سازوکار مشخص برای انتشار و اطلاع مردم به عنوان سه ویژگی اصلی و اساسی نهاد قانون گذاری خواهد بود که این موارد در خصوص مجلس شورای اسلامی مصداق می یابد و در نتیجه مجلس به عنوان تبلور اراده حاکمیت ملت، تنها نهاد صالح عام جهت تصویب قانون است که با تأیید شورای نگهبان و پس از انتشار به طور قانونی امکان اجرا می یابد و شایان ذکر است که قوانین مورد تصویب مجلس بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی متضمن موارد زیر خواهد بود:

۱. غمامی، سید محمد مهدی؛ خدامرادی، کمال؛ هادی زاده، علی، ۱۳۹۵، *آسیب شناسی تعدد نهادهای قانون*

گذاری در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه شهر قانون، شماره ۱۸، صفحه ۱۰۰

۲. شریف، محمد، ۱۳۸۴، *جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن*، مجله حقوق و سیاست، دوره ۷، شماره ۱۵ و ۱۶، صفحه ۲۱۶.

۳. مرادخانی، فردین؛ تکلو، سمیه، ۱۴۰۰، *تعدد نهادهای قانون گذاری با تأکید بر جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران*، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۲، شماره ۲۲، صفحه ۶۱.

۱. عمومیت: مجلس می‌تواند در خصوص تمامی موضوعات قانون تصویب نماید.
 ۲. اختیار: هیچ‌کس نمی‌تواند اجازه قانون‌گذاری در موضوع یا موضوعاتی خاص را از قوه مقننه سلب نماید و یا اینکه او را مجبور به تصویب قانون در زمینه‌ای بنماید. (به جز مواردی همچون اصول ۷، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۸، ۵۱ و ... که در خود قانون اساسی آمده باشد).
 ۳. مباشرت: مجلس مکلف است تا در تمامی موارد شخصاً اقدام به تصویب قوانین نماید و جز در موارد بسیار محدود، امکان تفویض اختیارات قانونی خود را ندارد.
- با عنایت به موارد فوق و پذیرش اصل تفکیک قوا در قانون اساسی کشور ایران که امر قانون‌گذاری را در انحصار قوه مقننه قرار داده است شرکت هر نهادی در امر قانون‌گذاری در واقع نفی صریح قانون اساسی و عدم پذیرش تفکیک قوا هست و در چنین شرایطی از مواردی مانند قانون اساسی، تفکیک قوا و قوه مقننه، تنها کالبدی بی‌جان در دست گروهی خاص باقی می‌ماند که با سوءاستفاده از این موارد برای سرکوب مردم و مخالفان خود سود خواهند برد.^۲
- به عبارت دیگر، در نظامی که معتقد به تفکیک قوا است، مردم با انتخاب منتخبان خود در روند وضع قوانین دخالت داشته و قوه مجریه اقدام به اجرای آن قوانین نموده و قوه قضائیه نیز بر اساس قوانین مذکور اقدام به قضاوت می‌نماید^۳ و هر آنچه در این مسیر خللی ایجاد نماید، در تضاد با این تفکیک قوا بوده و عملاً منجر به نقض در اراده آحاد جامعه در وضع قوانین می‌باشد؛ چراکه ایشان به واسطه قانون اساسی که تبلور اراده ملت بوده است، اقدام به تعیین نهاد قانون‌گذاری و همچنین رعایت تفکیک قوا نموده‌اند و هرگونه خللی در تفکیک مذکور در واقع اراده آحاد مردم را زیر پا نهاده و فلسفه وجودی تفکیک قوا را به چالش می‌کشد و در نهایت منجر به نارضایتی و ایجاد حس بی‌اعتمادی و حتی گسست مردم و حکومت شده و می‌تواند اعتراضات گوناگون در سطح جامعه را با خود به همراه داشته باشد که این موضوع هم به راحتی از سوی مخالفان حکومت قابل سوءاستفاده‌های مختلف خواهد بود.

۱. عتاسی، بیژن؛ سهرابلو، علی، ۱۳۹۵، شوراها، محلی و کارکرد و وضع قواعد عام‌الشمول؛ بررسی نظریات

شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۲، صفحه ۱۲

۲. هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۱، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان، صفحه ۲۶۹

۳. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، ۱۳۹۰، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان، صفحه ۲۳۳

لیکن تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام خمینی (ره) در آذر سال ۱۳۶۳ که در قانون اساسی هم ذکری از آن مشاهده نمی‌شود^۱ و دارای تشکیلات اداری، کارکنان و ردیف در لایحه بودجه سالیانه است و مصوبات آن در برخی موارد بدون نیاز به تصوب مجلس و یا تأیید شورای نگهبان، شأنی مافوق قانون را دارا گشته، با آنچه در بالا به آن پرداختیم چندان سنخیت نداشته و به علل مختلف همچون تداخل در صلاحیت عام مجلس در امر قانون‌گذاری، می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی مردم گردد.

پس تأکید می‌گردد که تعدد و کثرت نهادهای قانون‌گذاری مساوی با تهدید استقرار نظم در پرتو قانون، اختلال در نظم حاکم در زمینه قانون‌نگاری و عدم اداره امور جامعه بر اساس تصمیم مردم است و این موضوع در یک حکومت مردمی مورد پذیرش مردم نخواهد بود؛ البته بر اساس تفسیر موسع قانون، تمامی بحث با یک مغالطه ساده زایل می‌گردد زیرا می‌توان گفت مردم نمایندگان مجلس خبرگان را انتخاب نموده‌اند و رهبر نیز بر اساس نظر ایشان تعیین گردیده و همو تشخیص داده که بخشی از وظایف و اختیارات خود را با تأسیس نهادی خاص به آن تفویض نماید؛ اما آیا رهبر می‌تواند اختیارات خود را با تأسیس یک شورا، به آن محول نماید؟ کما اینکه همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید، اساساً وضع قوانین در حیطه اختیارات قوه مقننه (و به‌طور عام مجلس) بوده و به تصریح قانون اساسی هیچ نهاد دیگری اختیار وضع قانون را ندارد.

شایان ذکر است به‌طور قطع و یقین خواسته درونی امام (ره) بهبود شرایط و اجرای بهتر امور بوده و با بیان چنین استدلال‌های ساده‌ای همچون آنچه در بالا ارائه شد، مشکل کماکان باقی است و حتی بر مشکلات و نقدهای موجود دامن می‌زند و سؤالات دیگری نیز مطرح خواهد شد که آیا از سوی مردم اختیار چنین امری داده شده است؟ لذا به نظر می‌رسد که در شرایط حاضر و برای بهبود وضع موجود و مقابله با موازی‌کاری، تورم قوانین، عدم تشخیص صریح حقوق و تکالیف اقشار جامعه و در نهایت جهت بالا بردن اعتماد عمومی به یک حکومت مردم‌سالار دینی، بهتر است تا به‌جای بیان استدلال‌هایی جهت پاک نمودن صورت مسئله، با توجه به کمبود منابع اختصاصی در این زمینه درصدد یافتن پاسخی معقول، منطقی و مستدل با شیوه‌ای نو برای مرتفع نمودن چالش‌های موجود بود و با بررسی موضوع به تبیین سلسله‌مراتب مصوبات این شورا و بیان راه‌های رفع مشکل پرداخت.

۱. تشکیل شورای مذکور در زمره وظایف و اختیارات رهبری مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جای ندارد.

۲- زمینه تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی

در بسیاری از منابع موجود و حتی در آرمش و رای عالی انقلاب فرهنگی، سال ۱۳۶۳ را به عنوان سال تأسیس این شورا ذکر کرده‌اند لیکن با نگاهی دقیق‌تر به تاریخ باید اذعان نمود که پایه‌های وجودی این شورا از سال ۱۳۵۹ و شاید حتی سال قبل از آن به وجود آمده است. در سال ۱۳۵۹ به واسطه شرایط خاصی که در جامعه حاکم بود و تعطیلی اکثر دانشگاه‌ها را به دلیل ترس از اقدامات گروهک‌های مختلف در پی داشت، شرایط ویژه‌ای بر فضای جامعه دانشگاهی آن دوران حاکم بود و دغدغه بسیاری را در میان اندیشمندان ایجاد نموده بود که در تاریخ ۲۳ خرداد همان سال با صدور فرمانی از جانب امام خمینی (ره) شرایطی برای گشایش مجدد تمامی دانشگاه‌ها و بازگشت مراکز علمی به سیر معمول خود تا حدودی فراهم شد که در همان دوران و شاید بتوان مدعی شد که تا امروز یکی از نقاط عطف مطلوب در استمرار مسائل دانشگاهی در کشور به شمار می‌آید.

در فرمان مذکور با تشخیص صحیح «خواست ملت مسلمان»، برای بازگشایی دانشگاه‌ها و در عین حال پیش‌گیری از اخلال توطئه‌گران و اینکه احیاناً این مراکز مهم اساسی در خدمت استعمارگران قرار گیرد، دستور تشکیل «ستاد انقلاب فرهنگی» به‌عنوان یک «فرمان حکومتی» از سوی امام خمینی (ره) صادر گردید.^۱

اعضای این ستاد مستقیماً در فرمان تعیین شده بودند که عبارت از ۷ نفر بودند:

۱. محمد جواد باهنر، ۲. مهدی ربّانی املشی، ۳. حسن حبیبی، ۴. شمس آل احمد، ۵. علی شریعتمداری، ۶. جلال‌الدین فارسی و ۷. عبدالکریم سروش.

ستاد مذکور مسئولیت دعوت از افراد و صاحب‌نظران متعهد و اقشار تحصیل کرده جهت برنامه‌ریزی رشته‌های دانشگاهی و خط‌مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها و مدارس، بر اساس فرهنگ اسلامی و انتخاب و آماده‌سازی اساتید شایسته متعهد و آگاه را برعهده داشت.^۲ علیرغم تأثیرات مثبت فرمان مذکور که نقطه عطفی در جهت شروع به کار مجدد مراکز علمی و آموزشی پس از انقلاب به شمار می‌آید، به عقیده نگارنده دو نکته در این فرمان قابل تأمل بود:

۱. مصطفوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، جلد ۱۲، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صفحات ۴۳۱-۴۳۲.

۲. به نقل از پرتال امام خمینی (ره) وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ به آدرس: www.imam-khomeini.ir/fa/n22641

۱. انتخاب انتصابی افراد: چنانکه بهتر بود تا در انتخاب مسئولین اجرای فرمان مذکور از سازوکار مطلوب‌تری بهره برده می‌شد؛ چرا که در کنار ذکر نام افراد مخلص و کاردانی همچون شهید باهنر، برخی از افراد مذکور در این فهرست در سالیان بعد، هزینه‌های فراوانی را برنظام تحمیل نمودند که این مطلب نشان از اهمیت بالای ساز و کارهای اصولی در گزینش افراد جهت تصدی امور مختلف را به خوبی هویدا می‌نماید.

۲. وسعت شمول: در این خصوص می‌توان به عبارت «و دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی» در متن پیام اشاره نمود که تقریباً گستره شمول این فرمان را کم‌نظیر و شاید بتوان گفت که بی‌همتا نموده است.

با تمامی این توضیحات، ستاد به کار خود ادامه داد، لیکن برای این که صورتی قانونی به خود بگیرد در مرداد ماه سال ۱۳۶۱ لایحه‌ای با عنوان «لایحه تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی» از سوی هیأت وزیران به مجلس ارائه گردید که هرگز به تصویب مجلس نرسید و همین عدم تصویب مجلس گویای عدم رضایت نمایندگان ملت از وجود نهادی موازی بود که بررسی دلایل و چرایی عدم تصویب این لایحه، آن هم در زمان حیات حضرت امام(ره) که نهاد مذکور آشکارا مورد تأیید ایشان بوده است، خود مطلبی تعمق برانگیز است که بحث در خصوص آن در این مجال نمی‌گنجد. به هر تقدیر ستاد مذکور تا آذرماه سال ۱۳۶۳ کماکان به حیات خود ادامه داده و فعالیت‌های مختلفی را در خصوص تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف فرهنگی به انجام رسانید.

۳- تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی

بر اساس فرمان امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شد و اعضای آن از ۷ عضو به ۱۷ عضو افزایش یافته اعضای آن نیز در فرمان مذکور مشخص شده بودند.

در واقع شاید با کمی اغماض بتوان شورا را همان ستاد دانست که با توجه به عدم اقبال از سوی نمایندگان ملت در سال ۱۳۶۱ رو به افول نهاده بود لیکن با فرمان امام (ره) توانست بر کالبد بی‌جان خویش، روح تازه‌ای بدمد و به استناد مصوبه‌های خود شورا می‌توان به وضوح دریافت که در ابتدا مقرر گردیده بود که نهادهای وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی سابق تا تعیین شدن شرح وظایف و

مسئولیت‌های جدید خود و به صورت موقت به کار خود ادامه دهند؛ لیکن همان گونه که بر کسی پوشیده نیست، ستاد سابق در قالب شورای لاحق تاکنون به حیات خود ادامه داده است که چندان قانون‌مندان و منطبق با اصول و قواعد حقوقی به نظر نمی‌رسد.

۴- اقدام به گسترش کم‌نظیر فعالیت‌ها

در این قسمت گسترش تأمل‌برانگیز این شورا را از جهات مختلف تشریح می‌نمایم تا با قدرت گسترش یافته این شورا بیشتر آشنا شویم:

۱. تعداد اعضا: همان گونه که بیان گردید در گذشته ستاد انقلاب فرهنگی دارای ۷ عضو بود که این تعداد با تشکیل شورا در ابتدا با جهشی چشمگیر به ۱۷ عضو ارتقا یافت که با گذر زمان بیش از ۵۰ درصد به تعداد اعضای مذکور نیز افزوده شده و در حال حاضر با توجه به مندرجات پایگاه رایانه‌ای شورا، دارای ۲۸ عضو می‌باشد.^۳

۲. بودجه: از نکات شایان توجه در هر بخش از بدنه حاکمیت، بودجه آن است که این موضوع برای شورای مذکور نیز صدق می‌نماید. در سالیان دور بودجه این شورا تحت عنوان «کمک» و به پیشنهاد وزیر ارشاد جهت تصویب در لایحه بودجه درج می‌گردید که با گذشت زمان توانست بخشی اختصاصی را برای خود کسب نماید و کار تا آنجا رسید که بودجه آن نسب به بسیاری از نهادها، مؤسسات و ارگان‌های دولتی و یا وابسته به دولت رو به فزونی نهاد و یعنی در وضعیت اقتصادی نامساعد منطقه و کشور، شاهد افزایش چشمگیر بودجه این شورا در سالیان اخیر هستیم؛ چنانکه بودجه آن نسبت به سال ۱۳۹۷ که حدود ۸۵۰ میلیارد ریال (معادل ۸۵ میلیارد تومان) بوده است و با توجه مشکلات معیشتی مردم در سال ۱۴۰۱ به ۳۳۷۰ میلیارد ریال (معادل ۳۳۷ میلیارد تومان) رسیده است و جالب اینکه رقم مذکور نسبت به سال‌های نه چندان دور، مقداری کاهش نیز یافته است؛ زیرا این رقم در سال ۱۳۹۹ بالغ بر ۴۰۰۰ میلیارد

۱. مجوز ادامه موقت فعالیت ستاد انقلاب فرهنگی سابق (مصوب یکمین جلسه مورخ ۱۳۶۳/۰۹/۲۷ شورای عالی)

۲. آئین‌نامه داخلی شورای عالی انقلاب فرهنگی (مصوب دومین جلسه مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ شورای عالی)

3. <https://sccr.ir/members/2#>

۴. در این زمینه می‌توان به مواردی همچون «آیین‌نامه اجرایی نحوه مصرف اعتبار ردیف ۱۱۳۶۰۰ (شورای عالی انقلاب فرهنگی - کمک) موضوع ردیف ۳۷ بند (الف) تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۶۶» و یا «کمک موضوع بند ج تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۵ کل کشور» اشاره نمود.

ریال (معادل ۴۰۰ میلیارد تومان) تعیین گردیده بود که در مجموع بودجه ۷ نهاد مختلف زیرمجموعه دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی را تشکیل داده بود و برای اینکه بیشتر به عمق موضوع پی برد باید خاطر نشان نمود که بودجه تخصیصی به مجلس شورای اسلامی و زیرمجموعه‌های آن (به جز دیوان محاسبات) برای سال ۱۴۰۰ رقمی در حدود ۹۰۰۰ میلیارد ریال (معادل ۹۰۰ میلیارد تومان) بوده است و این یعنی شورای مذکور توانسته در برهه‌ای رقمی نزدیک به نیمی از بودجه یکی از قوای سه‌گانه را به خود اختصاص دهد که بسیار عجیب می‌نماید.

۳. آمار رو به فزونی مصوبه‌ها: اولین جلسه رسمی این شورا بر اساس اطلاعات مندرج در پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۲۷ آذر سال ۱۳۶۳ بازمی‌گردد و تاکنون قریب به ۲۱۰۰ تصمیم در جلسات این شورا اتخاذ گردید است که با توجه به عمر ۳۷ ساله این شورا به معنای تعداد تقریبی ۵ مصوبه در هر ماه می‌باشد که با توجه به بودجه تخصیصی آن و همچنین عدم رعایت قواعد نظارتی سایر مصوبات حکومتی، جای تأمل دارد.

۴. ایجاد حوزه‌های فعالیتی جدید: جالب آنکه شمول فعالیت‌های شورا نیز هر روز گسترش بیشتری می‌یابد که مصوبه‌هایی همچون «مصوبه انتخاب ۴ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی برای عضویت در کارگروه عناوین سال» مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۷ و یا «مصوبه اصل تأسیس صندوق شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)» مورخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۲ نیز مؤید همین مطلب هستند.

۵- جایگاه اداری شورای عالی انقلاب فرهنگی

اصولاً هرچه که سلسله مراتب اداری نهادها در جوامع مشخص‌تر و فاقد ابهام باشد، منجر به توسعه یافتگی نظام حقوقی حاکم بر آن خواهد شد. در سلسله مراتب اداری چندین نوع نهاد قابل تصور است:

۱. تعداد مصوبه‌های مذکور بدون در نظر گرفتن مصوبه‌های قبلی مربوطه ستاد است.
۲. امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۸۱، سیاست‌های کلی نظام در پرتو اصل حاکمیت قانون و جمهوریت، مجله راهبرد، شماره ۲۶، صفحه ۷۵.

۱. وزارت خانه: یک واحد سازمانی مشخص که از سوی قانون مشخص شده است.
۲. مؤسسه دولتی: یک واحد سازمانی مشخص که از سوی قانون مشخص شده و زیر نظر یکی از قوای سه گانه مشغول فعالیت بوده و عنوان وزارت خانه نیز نداشته باشد.
۳. شرکت دولتی: یک واحد سازمانی مشخص که از سوی قانون مشخص شده و به صورت یک شرکت باشد که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن متعلق به دولت باشد.
۴. نهادهای عمومی غیردولتی: نهادهایی که به موجب قانون ایجاد شده و از سوی مجلس شورای اسلامی در خصوص آنها تصریح به عمل آمده باشد.
۵. نهادهای انقلابی: آن دسته از نهادها که پس از انقلاب اسلامی و به فراخور نیاز دوران و با تصویب مراجع قانون گذاری ایجاد گردیده اند!

همان طور که پیش از این بیان گردید، شورای مذکور به فرمان امام خمینی (ره) و با توجه به نیاز جامعه در زمان حیات ایشان ایجاد گردید و مبرهن است که در قانون اساسی نامی از این شورا مشاهده نمی شود و همچنین باید پذیرفت که شورای مذکور در هیچکدام از تعاریف فوق نمی گنجد؛ چراکه از سوی قانون و یا هیچ کدام از نهادهای قانون گذاری مشخص نگردید ولیکن آنچه مشخص است اینکه کارکنان شورا به تصریح قانون مجلس شورای اسلامی از کارکنان دولت محسوب شده و شورای مذکور از بودجه عمومی ارتزاق می نماید و بر اساس اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی، نمایندگان ملت به واسطه دیوان محاسبات کشور، قانوناً بر وضعیت خرج کرد اموال بیت المال که تحت عنوان بودجه عمومی در اختیار هر شخص حقیقی و حقوقی قرار داده می شود، نظارت می نمایند.

اما واقعاً شورای مذکور در قالب کدام یک از سلسله مراتب اداری باید پاسخگوی دیوان محاسبات یا سایر نهادها باشد؟ در پاسخ به این پرسش شاید بتوان به تبصره ماده ۱۳۰ قانون دیوان محاسبات توسل جست که مشخص می دارد هر نهادی که با هیچ کدام از نهادهای پنج گانه فوق مطابقت نداشته باشد، لازم است تا ظرف مدت یکسال خود را به صورت یکی از اشکال فوق تغییر دهد و در غیر این صورت «مؤسسه دولتی» محسوب خواهد شد ولی باید دانست که این مقرر نیز

۱. برای مطالعه بیشتر به مواد ۲، ۳، ۴ و ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ و همچنین بندهای (ت، ث و ج)

ماده ۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ مراجعه نمایند.

۲. ماده واحده قانون تعیین وضعیت استخدامی شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۵

رافع مشکل تشخیص سلسله مراتب اداری این شورا نخواهد بود؛ زیرا علی‌الاصول مؤسسات دولتی در لوای قوه مجریه به فعالیت خواهند پرداخت و حال آنکه نوع فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه، خلاف اصل تفکیک قوا خواهد بود؛ چون همان‌گونه که بیان گردید، تصمیمات این شورا در مواردی به نوعی قانون‌گذاری محسوب می‌گردد که در صورتی که شورای مذکور یک مؤسسه دولتی محسوب گردد، همچنان این مطلب بی‌پاسخ خواهد ماند که چگونه یک نهاد شبهه قانون‌گذار در لوای قوه مجریه که مجری قانون است و اجازه قانون‌گذاری ندارد، در حال فعالیت است؟

جان کلام آنکه به نظر می‌رسد بررسی و توجیه موضوع جهت گنجاندن شورای عالی انقلاب فرهنگی در یکی از سلسله مراتب اداری به هر صورتی که انجام شود، همچنان معضل تشخیص موضوع باقیست و تاب نظرات مخالف را خواهد داشت؛ چنانکه نگارنده معتقد است که وجود برخی از قوانین و مصوبه‌های مجلس مانند «ماده واحده قانون تعیین وضعیت استخدامی شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۵» می‌تواند به منزله تأیید و تصویب ضمنی قانونی بودن فعالیت نهاد مذکور از سوی نمایندگان مجلس تلقی گردد؛ البته این عقیده می‌تواند در تقابل با موضوع عدم تصویب «لایحه تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی» از سوی مجلس در سال ۱۳۶۱ و یا مصاحبه‌های گاه و بی‌گاه تنی چند از نمایندگان ذی‌نفوذ مجلس در خصوص برخی از مصوبه‌های شورای مذکور، به نوعی با چالش مواجه شده و تضعیف گردد و به نظر می‌رسد که راه‌حل برون‌رفت از وضعیت موجود تنها در اظهار نظر مجلس در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی نهفته باشد که از دو حالت خارج نیست:

۱. تصویب فعالیت‌های شورای مذکور: به‌طور حتم در چنین حالتی، شرایط ادامه فعالیت این شورا و حدود و ثغور وظایف و اختیارات آن از سوی نمایندگان ملت مشخص خواهد گردید؛ لیکن به نظر نمی‌رسد که شورای مذکور با درج محدودیت از سوی مجلس برای خود چندان موافق بوده و به آن روی خوش نشان دهد و اصولاً خود را نهادی می‌داند که اعتبار خود را از فرمان رهبر دریافت نموده است.^۲

1. <https://www.irna.ir/news/84748738>

۲. در تشریح مطلب باید اذعان نمود که در حکومت‌های مردم‌نهاد، قدرتی مافوق قدرت مردم در حکومت کشور قابل تصور نخواهد بود و شیوه حکومت به صورت هرمی از پایین به بالا است که تمامی قوانین و انتصاب‌ها به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم از اراده آزاد آحاد ملت نشأت می‌گیرد؛ (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۰: ۱۶۸) لیکن هرم مذکور در

۲. انحلال شورای مذکور: این اقدام نیز به دلیل تبعات مختلفی که می‌تواند در جامعه داشته باشد، چندان از سوی نمایندگان ملت مورد اقبال قرار نگرفته است؛ چراکه با انحلال این شورا بحث تعیین تکلیف زیرمجموعه‌ها، کارکنان، فعالیت‌ها و اقدامات انجام‌شده شورای مذکور در گذشته از چنان وسعتی برخوردار است که خود بر معضلات این کلاف سردرگم خواهد افزود.
- البته همان‌گونه در حالت اول بیان شد، شورای مذکور تمایلی به محدودیت و تابعیت سایر قوانین، از خود نشان نمی‌دهد و چنانچه مصوبه مربوط به جلسه ۸۳ این شورا مورخ ۱۳۶۵/۰۶/۱۱ را در نظر بگیریم، باید گفت که گویا این شورا خود را ورای تمامی نهادها دانسته و اساساً تاب تحمل قرارگیری در جایگاهی که نیاز به پاسخگویی داشته باشد را ندارد؛ چراکه به موجب قانون، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی مرجعی جهت رسیدگی به شکایات مردم از طرز کار هر یک از قوای سه‌گانه می‌باشد، لیکن بر اساس مصوبه مذکور کمیسیون مذکور مکلف گردیده است تا هیچکدام از آرای نهایی هیأت مرکزی گزینش و کمیته مرکزی انضباطی را مورد بازخواست قرار ندهد و این درحالی است که بر اساس ماده ۴۴ آئین‌نامه داخلی مجلس، تمامی وزارت‌خانه‌ها و ادارات و سازمان‌های وابسته و بنیادهای انقلابی و مؤسساتی که به‌نحوی از انحاء به یکی از قوای سه‌گانه وابسته است، مشمول پاسخگویی به شکایات واصله به این کمیسیون که قدرت خود را از قانون اساسی به‌عنوان منشور ملت دریافت کرده است، خواهد بود و اینکه اختیارات اختصاص‌یافته از سوی قانون اساسی به یک نهاد توسط مصوبه یک نهاد دیگر و مادون قانون اساسی محدود گردد، از عجایب شگرف موجود در نظام حقوقی یک کشور محسوب می‌گردد که می‌توان از آن به سه موضوع پی برد:
۱. شورا در مواردی به‌جای مشورت کلی، قانون وضع نموده است.
 ۲. مصوبه‌های شورای مذکور در مواردی برتر از قانون اساسی قرار گرفته است.
 ۳. شورای مذکور در مواردی آشکارا اقدام به قانون‌گریزی و نقض سایر قوانین نموده است.

حکومت‌های دینی در برخی موارد واژگونه و از بالا به پایین است و حکومت نیز اعتبار خویش را نشأت‌گرفته از اراده ای فوق قدرت آحاد جامعه می‌داند و بر همین اساس در مواردی که اعمال وی با نظر آحاد مردم موافق نباشد، در توجیه آن از اراده‌ای مافوق قدرت انسانی سخن می‌گوید.

۴. شورای مذکور نسبت به پذیرش محدودیت و چهارچوب‌پذیری با جدیت تمام مخالفت می‌ورزد!

در این قسمت و در توضیح مورد اخیر باید گفت که با وجود کش و قوس‌های فراوان در نهایت در سال ۱۳۹۰ مجلس دهم به ریاست علی لاریجانی و بر اساس قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری - که البته با شرایط خاصی که داشت نهایتاً در سال ۱۳۹۲ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست اکبر هاشمی رفسنجانی موافق با مصلحت نظام تشخیص و ابلاغ گردید - و با توجه به اینکه در ماده ۱۲ این قانون، نامی از شورای مذکور به عنوان استثنای بر حدود اختیارات دیوان عدالت اداری به میان نیامده بود، تقریباً ماجرا و بحث پیرامون امکان شکایت و بررسی مصوبات آن از طرف دیوان به پایان رسید؛ لیکن این ماجرا با طرح «اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» رنگ و بوی تازه‌ای به خود گرفت که در نهایت در مجلس اخیر به ریاست محمدباقر قالیباف همچون ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ که در مجلس هفتم به ریاست حداد عادل تصویب گردیده بود، مجدداً شورای عالی انقلاب فرهنگی البته این مرتبه در کنار شورای عالی فضای مجازی در مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ با تصویب مجلس با این استدلال که در زمره اختیارات رهبری مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد، از شمول اختیارات دیوان عدالت اداری خارج گردید.

البته جای بسی شگفتی است که قوه مقننه که وجود نهاد شبهه‌قانون‌گذاری موازی با خویش را بر نمی‌تابد و حتی در زمان حیات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حاضر به تصویب قانون تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی نشده است، چگونه چنین مطلبی را مصوب نموده است و شاید جالب‌تر این باشد که مجمع تشخیص مصلحت نظام در مدتی کوتاه پس از این موضوع و حتی پیش از ارائه نظر شورای نگهبان در مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ به ریاست صادق اردشیر لاریجانی به بررسی موضوع پرداخت و با استدلال مغایرت مصوبه اخیر با سیاست‌های کلی نظام، موضوع استثنای شمول اختیارات دیوان در خصوص دو شورای مذکور را رد کرد.

۱. شایان ذکر است که مصوبه مذکور بعد از اینکه در جامعه با نظر مخالف اقشار مختلف مواجه گردید و با شکایت تعدادی از افراد به وسیله دیوان عدالت اداری و با استناد به اصول ۴، ۳۶، ۶۱، ۹۰، ۱۵۹ و ۱۷۳ قانون اساسی، مغایر با قانون اساسی و خارج از صلاحیت مرجع تصمیم‌گیرنده و همچنین خلاف تشخیص و توسط دیوان ابطال گردید.

لذا با توجه به مطالب و موارد فوق الاشاره، تشخیص و یا تعیین اینکه جایگاه شورای مذکور در سلسله مراتب اداری چگونه است، امری بسیار دشوار است که به طور حتم تعیین آن می تواند بر بسیاری از قانون گریزی ها پایان داده و تکلیف بسیاری از سئوالات را مشخص نموده و خاتمه ای باشد بر نظرات نقادانه بسیاری از اندیشمندان؛ زیرا با مذاقه در مصوبه فوق باید پذیرفت که شورای عالی انقلاب فرهنگی به طور ضمنی با تصویب چنین مصوبه ای بر دو مطلب تأکید نموده است:

۱. خود را تابع هیچ کدام از قوای سه گانه نمی داند؛ زیرا تمامی قوای سه گانه در مقابل کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی موظف به پاسخگویی هستند.

۲. خود را برتر از تمامی قوای سه گانه می داند؛ زیرا هیچ کدام از قوای سه گانه خود را مختار به تحدید اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی نمی دانند.

علی ایحال به نظر نگارنده تصویب فعالیت های شورای مذکور در لوای یکی از قوای سه گانه (که البته با قوه مجریه سنخیت بیشتری دارد) از سوی مجلس (جهت قرارگیری آن به عنوان زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و تعیین حدود و صغور فعالیت های آن از رجحان بیشتری برخوردار بوده و از لحاظ حقوقی امری منطقی و معقول تر می نماید که البته می توان پیش بینی نمود که درج هر گونه محدودیت در زمینه فعالیت های این شورا با مقاومت هایی مواجه خواهد شد؛ اما ادامه روند مذکور نیز امری چندان پسندیده نخواهد بود.

۶- جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سلسله مراتب قوانین کشور

اصلی ترین نکته در این پژوهش به این مسأله باز می گردد که اساساً جایگاه مصوبات این شورا نسبت به قوانین کشور چگونه است و چطور توجیه می شود و به طور خلاصه در پاسخ به این پرسش باید گفت که در خصوص جایگاه مصوبات شورا در سلسله مراتب اداری، موضوع در سه دیدگاه جای می گیرد که هر کدام را به طور مختصر و موجز بیان می داریم:

۱-۶ دیدگاه شورایی

این دیدگاه را می توان بیانگر نظر و عقاید شورا در خصوص مصوبات این نهاد دانست؛ در واقع پس از فرمان امام خمینی (ره) در آذر ماه ۱۳۶۳ که منجر به تشکیل رسمی شورای عالی انقلاب فرهنگی گردید، در روز ۲۹ بهمن همان سال با پرسشی که از سوی آقای خامنه ای (رئیس جمهور

وقت) که در آن زمان ریاست شورا را بر عهده داشت، مصوبات شورا با تفسیری موسّع توانست که در حد قوانین عادی جای گیرد.

در توضیح مطلب باید گفت که شورا معتقد بود که در برخی موارد ناچار به وضع ضوابط و قواعدی است که برای تأمین اهداف و دستورات مندرج در آن مصوبه، راهی جز همکاری و دخالت قوه قضائیه از نظر شورا متصور نیست و بر همین اساس سؤالی از محضر حضرت امام خمینی (ره) پرسیده شد که طرف یک هفته منجر به پاسخ تاریخی مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۰۶ به این مضمون گردید که: «ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می نمایند، باید ترتیب آثار داده شود.»

بر همین اساس شورا معتقد است که پاسخ مذکور به منزله این است که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حکم و یا حداقل در حد قانون قرار خواهد داشت.

البته نظر شورا با عقاید مخالف مواجه خواهد گردید و به طور قطع و یقین امکان به چالش کشیدن نظر شورا امکان پذیر خواهد بود؛ زیرا دلایل مختلفی به عدم صحت نظر و عقیده شورا قابل طرح بوده و «در حکم قانون» دانستن مصوبات شورا با توجه به آنچه در ما نحن فیه بیان گردید، فاقد وجهت قانونی است که در ادامه و پیش از بیان دیدگاه حقوقی، ذکر مواردی لازم می نماید که در ادامه ذکر می گردد:

۱. در پاسخ امام خمینی (ره) بیان گردیده که «باید ترتیب آثار داده شود» لیکن این به معنای در حد قانون قرار دادن مصوبات این شورا نمی تواند باشد؛ چرا که در متن پاسخ در آن صورت بیان می گردید که «در حکم قانون خواهد بود».
۲. در متن سؤال در مورد راه حل قضیه در مقابل «قوه قضائیه» سؤال پرسیده شده است و اینکه بخواهیم پاسخ را حتی بر فرض غیر محتمل، به معنای در حکم قانون بودن مصوبات شورا بدانیم، باز هم تکلیف هر سه قوه به رعایت مصوبات شورا بدون وجود هیچ قرینه‌ای در پاسخ امام (ره) که دال بر تکلیف هر سه قوه باشد، دارای هیچ توجیه منطقی نخواهد بود.
۳. همچنین اساساً این مطلب که حضرت امام (ره) در این پاسخ کوتاه، اهداف این نهاد را تغییر داده باشد، خالی از وجه است؛ چرا که از ابتدا تشکیل شورای مذکور برای قانون گذاری نبوده

۱. متن سؤال به این قرار بود که: «همکاری و دخالت قوه قضائیه در موارد لزوم، منوط به آن است که مصوبات این شورا دارای اعتباری در حد قانون باشد؛ مستدعی است، نظر شریف در این باره را ابلاغ فرمایید.» (نامه شماره ۱/۹۷۱۸)

و با هدف مشورت و تعیین خط‌مشی کلی بنا نهاده شده است و از متن پاسخ امام (ره) حتی با تفسیر موسّع نیز نمی‌توان به این نتیجه رسید که اهداف شورا تغییر یافته و شورا اختیار وضع قوانین را دارا شده است و به عقیده نگارنده برخی مفاهیم در پاسخ حضرت امام (ره) مستتر بوده و معنای دقیق کلام ایشان می‌تواند حمل بر این جمله گردد که: «ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌نمایند، (در مواردی که نیاز به همکاری و دخالت قوه قضائیه داشته باشد، چنانچه مغایر سایر قوانین نباشد) باید (از سوی قوه قضائیه به آن) ترتیب اثر داده شود؛ (لیکن با توجه به انحصار عام مجلس در امر قانون‌گذاری، در حدّ قانون دانستن مصوبات شورا مغایر با قانون اساسی و خالی از وجه است).»

۴. قطعاً حتی بر فرض محال که معتقد بر تفسیر موسّع پاسخ امام (ره) در معنای در حکم قانون بودن مصوبات شورا و تکلیف تمامی قوای سه‌گانه بر اجرای مصوبات شورا حتی برخلاف اهداف تشکیل آن باشیم (که صراحتاً در تضاد با اصل ۷۱ قانون اساسی و انحصار اختیار قانون‌گذاری برای مجلس است)، بازهم پذیرش این مطلب که چنین تفسیر موسّعی نیز بتواند متضمّن اجازه امام (ره) برای تصویب مواردی در جهت تخصیص سایر قوانین و حتی برخلاف قوانین موضوعه و قانون اساسی باشد، اساساً منتفی خواهد بود.

۵. در نهایت باید اذعان داشت که به نظر می‌رسد بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که در صدر تمامی امور جامعه و الگویی برای تمامی مردم و مسئولین به شمار می‌رفته است و منطقاً ایشان تمایل به انجام امری خلاف قانون که بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی اختیار چنین امری را دارا نبوده، نداشته است و هرگونه نظری برخلاف این مطلب، به‌نوعی تردید و بی‌حرمتی آشکار به اهداف بلند امام راحل (ره) خواهد بود.

نظر مذکور که شورا مصوبات خود را در حکم قانون می‌داند را می‌توان با ذکر یکی از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مطابق مصوبه جلسه ۸۸ این شورا به تاریخ ۱۳۶۵/۰۷/۱۵ تأیید و تکمیل نمود:

«در مورد همکاری دولت در اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، مقرر می‌گردد که به دولت رسماً و کتباً اطلاع داده شود که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حکم قانون است و وزارتخانه‌های مختلف لازم است در مورد تأمین بودجه و مساعدت‌های مورد نیاز برای اجرای مصوبات و همچنین استخدام اشخاص اهتمام ورزند.»

با توجه به مصوبه فوق به نظر می‌رسد که موضوع از «در حد قانون» دانستن اعتبار مصوبات شورا فراتر رفته و شکی در دیدگاه شورا در خصوص اینکه مصوبات خود را «در حکم قانون» می‌داند، باقی نمی‌ماند.

۲-۶ دیدگاه حقوقی

پیش از این در خصوص فرمان تاریخی امام (ره) در خصوص تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و همچنین پاسخ پرسش مطروحه رئیس شورا از سوی ایشان در اسفند سال ۱۳۶۳ سخن گفتیم؛ لیکن در اینجا باید به پاسخی که شورای نگهبان در مورد مصوبات این شورا ابراز نموده است، اشاره نمود. در توضیح مطلب باید گفت که بعد از تشکیل ستاد و سپس در ادامه آن تشکیل شورا، به دلیل مشکلاتی که اجرای مصوبات آن برای دولت ایجاد نموده بود، پرسشی از سوی آقای موسوی (نخست‌وزیر وقت) که البته در سال ۱۳۶۰ ریاست ستاد انقلاب فرهنگی را بر عهده داشت، از شورای نگهبان مطرح گردید که دارای سه قسمت بود:

۱. الزام دولت به تبعیت از مصوبات شورا: این مطلب حاکی از آن است که با وجود پاسخ امام (ره) در مورخ ۶ اسفند ۱۳۶۳ و به دلیل عدم صراحت کامل و تشریح دقیق مطالب و یا شاید به دلیل کلی بودن و تفاسیر مختلف و البته موسع از کلام ایشان و همچنین با توجه به مطالبی که پیش‌تر بیان گردید، همچنان این مطلب که آیا تمام قوای سه‌گانه ملزم به تابعیت از مصوبات شورا هستند یا خیر، محل ابهام بوده است.
۲. امکان اختصاص بودجه و قدرت اجرایی: دادن بودجه و قدرت اجرایی به یک نهاد که جایگاهی مشخص در سلسله‌مراتب اداری ندارد و آن هم بدون تصویب مجلس، محلی از اعراب ندارد؛ لیکن نوع اقدامات شورا در واقع چنین مطلبی را مطالبه می‌نموده که با طرح چنین سئوالی، نخست وزیر قصد داشته تا به استناد به پاسخ منفی که احتمالاً تصور می‌کرده که از سوی شورای نگهبان

۱. احتراماً، اخیراً ستاد انقلاب فرهنگی بدون مشورت با دولت تصمیماتی را اتخاذ (نموده) و برای اجرا به دولت ابلاغ می‌نماید و سئوالاتی برای دولت از منظر قانون اساسی مطرح (گردیده) است:

۱. آیا دولت الزامی برای تبعیت از تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی دارد؟
۲. آیا برای حفظ و حراست از این نهاد تا روشن شدن تکلیف در مجلس، دولت می‌تواند مسئولیت نتایج این تصمیمات را متوجه ستاد بداند و با دادن بودجه لازم، اجرا را نیز به ستاد بسپارد؟
۳. پاسخگوی تصمیمات ستاد در مقابل مجلس کدام ارگان خواهد بود؟

- واصل خواهد شد، بدون اینکه خود را در مضان اتهام قرار دهد که قصد اخلال در کار شورا را داشته و یا احیاناً متهم به اقدام بر خلاف منویات رهبر انقلاب گردد، به استناد همان پاسخ شورای نگهبان از دادن بودجه و قدرت اجرایی به شورای انقلاب فرهنگی جلوگیری نماید.
۳. پاسخگویی ستاد در مقابل مجلس: این مطلب حاکی از این مطلب است که گویا از همان سال آغازین تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز موضوع عدم پاسخگویی این شورا در خصوص تصمیمات آن شورا، چندان مورد پذیرش دولت نبوده است و البته خود را برای طرح پرسش از شورا صالح ندانسته و طرح سؤال نسبت به اقدامات شورا را در حیطه اختیارات مجلس دانسته است که باز هم به نظر می‌رسد که برای پرهیز از اتهامات احتمالی، قصد فرار از این مطلب را داشته تا مسئولیت و بار سنگین پرسش درباره اقدامات شورا را متوجه خود نسازد. به هر تقدیر شورای نگهبان در پاسخ به سئوالات مطروحه از سوی نخست‌وزیر وقت، پاسخ خود را به شرح ذیل اعلام نمود:
- «نظر به اینکه ستاد انقلاب فرهنگی به موجب فرمان امام (ره) تشکیل شده و قانونی درباره طرز تشکیل و وظایف آن به تصویب قوه مقننه نرسیده است تا موضوع از جهت قانون اساسی مورد بررسی و امعان نظر قرار گیرد، مقتضی است در این موضوع از مقام معظم رهبری کسب تکلیف شود.»
- در خصوص پاسخ فوق به چند نکته می‌توان اشاره نمود که می‌تواند بسیار قابل توجه باشد:
۱. عدم تأیید تبعیت از مصوبات شورا: شورای نگهبان حتی با وجود فرمان امام (ره) حاضر به تأیید قانونی بودن و الزام قوه مجریه به تبعیت از نظرات شورا نمی‌شود.
 ۲. عدم تأیید اعطای بودجه و قدرت اجرایی: شورای نگهبان بدون ورود ماهوی به موضوع و با آگاهی نسبت به مسائل و مباحث حقوقی از تأیید اعطای بودجه و یا قدرت اجرایی از سوی قوه مجریه به این نهاد بدون تصویب مجلس، استنکاف نموده است.
 ۳. عدم تعیین مرجع پاسخگویی: شورای نگهبان در خصوص تعیین مرجع پاسخگویی کاملاً موضوع را مسکوت نهاده است.
 ۴. اعلام ضمنی قانونی نبودن تشکیل شورا: شاید چنین ادعایی تا حدی ثقیل به نظر آید لیکن باید پذیرفت که شورای نگهبان عملاً از زیر بار پاسخ به پرسش‌های مطروحه شانه خالی کرده و البته این مطلب را مستند به یک منطق حقوقی قابل پذیرش انجام داده و بیان داشته است که ابتدا باید طرز تشکیل و وظایف شورا به تصویب مجلس رسیده باشد تا امکان اعلام نظر از سوی شورای

نگهبان مقدور باشد و این یعنی اینکه تشکیل شورا و وظایف آن در مجلس به تصویب نرسیده است که اعترافی ضمنی بر غیرقانونی بودن ادامه فعالیت‌های نهاد مذکور و آن‌هم در قالب فعلی آن است که با توجه به مطالب پیشین، از اهداف خود فاصله گرفته است.

۵. قانون‌گزیزی شورای نگهبان: علیرغم هوشمندانه دانستن پاسخ شورای نگهبان که در واقع از پاسخگویی امتناع نموده است لیکن عدم مطابقت ادامه فعالیت شورای عالی انقلاب فرهنگی با اصل ۱۱۰ قانون اساسی در خصوص تبیین وظایف و اختیارات مقام رهبری، این موضوع امری است که نیاز به ابراز نظر صریح و قانونمند از سوی شورای نگهبان در حراست از قانون اساسی دارد که به نظر می‌رسد که شورای محترم نگهبان هیچ‌گونه تمایلی به ورود به این موضوع ندارد. بنابراین با توجه به مطالب فوق و مذاقه در سایر مطالب در تشریح موضوع ابتدائاً باید گفت که قطعاً مصوبات این شورا در حد و اندازه و قابل مقایسه با قانون اساسی که منشور حقوقی هر ملت محسوب می‌گردد، به شمار نمی‌آید.

همچنین با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی نباید مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را در حد قانون دانست؛ چرا که تصویب قانون انحصاراً در اختیار قوه مقننه می‌باشد که حتی اجازه تفویض این اختیار به سایر نهادها را نیز ندارد.

در نهایت راهی جز این نخواهد ماند که مصوبات این شورا را نوعی آیین‌نامه و یا بخشنامه دولتی محسوب نمائیم که البته با توجه به اهداف تشکیل این شورا از لحاظ منطقی، معقول‌تر به نظر می‌رسد و می‌توان دلایل گوناگونی همچون رأی مورخه ۱۳۸۱/۰۵/۱۷ دیوان عدالت اداری و استناد آن به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری را نیز در تأیید این نظر ابراز کرد لیکن مستند حقوقی قابل استناد بسیار دقیقی در این خصوص نمی‌توان ذکر نمود؛ زیرا چنین مطلبی در تضاد آشمار با اصل ۱۳۸ قانون اساسی و از طرف دیگر چنین استدلالی نه با نظر خود شورا در خصوص «در حکم قانون» دانستن مصوباتش قابل جمع است و نه با آنچه در عمل روی داده است، سنخیت دارد که البته به عقیده نگارنده با اصلاحاتی و پس از تصویب مجلس، معقول‌ترین حالت همین شق مطلب خواهد بود.

آنچه از آن با عنوان دیدگاه عملی یاد شده است، در واقع نمود عملی و بازخورد واقعی نهادهای حکومتی جامعه با مصوبات این شورا است که نه از نظر حقوقی قابل توجیه است و نه با دیدگاه خود این نهاد درباره مصوباتش مطابقت دارد و نه با اهداف بیان‌گذار کبیر جمهوری اسلامی ایران همسو می‌باشد.

به استناد اهداف و وظائف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب جلسات ۴، ۵، ۹ و ۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی که در شماره ۱۲۱۸۹ روزنامه رسمی مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ به چاپ رسیده است، شورای مذکور با اهداف مشورتی در جهت سیاست‌گذاری‌های کلی اقدام به فعالیت می‌نماید؛ لیکن در مقام عمل با عدول از اهداف و وظایف نخستین خود، پا را فراتر نهاده و در قواره یک نهاد قدرتمند قانون‌گذاری جلوه نموده که حتی اجازه تصویب برخی موارد را به سایر نهادها و مؤسسات نیز تفویض می‌نماید و این در حالی است که چنین مجوزی جهت تصویب قوانین لازم‌الاجرا حتی برای خود این شورا نیز با انتقادهای فراوانی همراه است؛ نمونه‌ای از عمل مذکور را در یکی مصوبه‌های اخیر شورای مذکور با عنوان «مصوبه تفویض وظایف و اختیارات لازم در خصوص ارتقای اعضای هیأت علمی، پذیرش دانشجوی و گسترش، هماهنگی و برنامه‌ریزی علمی، آموزشی و پژوهشی نیروهای مسلح به ستاد کل نیروهای مسلح» مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۴ می‌توان ملاحظه نمود.

جالب‌تر آن که شورای مذکور مواردی را به تصویب می‌رساند که دارای آنچنان قدرت و توانی است که حتی از قوانین عادی هم پا را فراتر نهاده و در قامت قوانین بالادستی نمود می‌یابد که مصوبات مجلس هم باید از آن تبعیت کند و در مواردی چنین به نظر می‌رسد که گویا نظام قانون‌گذاری در کشور ایران در مواردی واژگونه گشته؛ چرا که علی‌القاعده همواره سایر مقررات و آیین‌نامه‌ها هستند که باید از قوانین عادی پیروی نمایند لیکن در مواردی شاهد لزوم پیروی مصوبات مجلس از مصوبات این شورا هستیم که با آنچه در نظام‌های حقوقی مترقی مرسوم است، قابل توجیه نیست.

از نمونه‌های چنین مطلبی در مصوبه سند ملی حقوق کودک و نوجوان (مصوب جلسه ۸۰۶ مورخه ۱۳۹۷/۰۱/۲۱) قابل مشاهده می‌باشد.

بارزتر آنکه در خصوص نظر شورای نگهبان در مورد «طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» بر لزوم «رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی» تأکید شده بود و مقرر گردیده بود که عدم رعایت این موضوع به منزله مغایرت با اصل ۵۷ قانون اساسی خواهد بود و در بخشی از

نظریات خود صراحتاً مصوبات شورای مذکور را در زمره «اسناد بالادستی» قرار داده که امری بسیار شاذ می‌نماید.^۱

به نظر می‌رسد که آنچه در عمل از قدرت اجرایی مصوبات این شورا برمی‌آید این است که در مواردی تنها تصمیماتی مشورتی هستند، در موارد همچون بخشنامه و آیین‌نامه بوده و در مواردی در حد قانون و در مواردی هم در قواره قانون اساسی بوده‌اند و حتی در مواردی هم سعی نموده تا از قانون اساسی نیز پا را فراتر نهد؛ اما در توجیه آن می‌توان به اصل ۵۷ قانون اساسی استناد جست که بیان می‌دارد:

«قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند؛ این قوا مستقل از یکدیگرند.»

در تشریح مطلب باید گفت که گرچه تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی در قالب اختیارات رهبری مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جای نمی‌گیرد اما ذکر عبارت «ولایت مطلقه امر» در اصل ۵۷ قانون اساسی متضمن این مطلب است که ولی امر مسلمین می‌تواند در صورت تشخیص خود و با رعایت صرفه مسلمین حتی برخی از مسلمات اسلام را به طور موقت تعطیل نمود که البته ممکن است چنین مطلبی از نگاه منتقدان در ردیف نوعی دیکتاتوری تئوریزه شده اسلامی جلوه نماید که رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام (ره) در پاسخ به مطلبی که در سال ۱۳۶۶ در نماز جمعه تهران و در خصوص برخی از اعمال نهادهای حکومتی که در تضاد آشکار با برخی قوانین اسلامی بود و منجر به اعتراضاتی شده بود، در مورخه ۱۶/۱۰/۱۳۶۶ بیان داشتند که: «من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود و عقیده دارم که در این مواقع سکوت بهترین طریقه است و البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست؛ اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها» و پس از پذیرش وجود نظرات مخالف در ادامه بیان می‌دارند که «حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند... قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک‌جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی است

1. <https://www.shora-gc.ir/fa/news/7992>

که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند.» همچنین در انتهای پیام خود اعلام می‌دارد تمامی اعتراضات موجود در خصوص احکام رهبری «ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی» می‌باشد و نیز بیان داشتند که «صریحاً عرض می‌کنم که ... این از اختیارات حکومت است و بالاتر از آن هم مسائلی است که مزاحمت نمی‌کنم.»^۱ و بر اساس آنچه بیان گردید باید پذیرفت که بر اساس آنچه با عنوان «ولایت مطلقه امر» در اصل ۵۷ قانون اساسی ذکر گردیده و معنایی که در آن مستتر است، هرگونه دخل و تصرف در قوانین با نظر ولی امر مسلمین تا زمانی که شورای نگهبان، ویژگی رهبری را در مقام رهبر جاری بدانند، در نظام حقوقی ایران با مخالفتی همراه نخواهد بود که البته پذیرش این امر با توجه نوعی تضاد ماهوی موجود در آن با دموکراسی و مردم‌سالاری و اصل ۵۶ قانون اساسی و سیستم تفکیک قوای مندرج در ابتدای اصل ۵۷، برای بسیاری از افراد ممکن است که چندان مقبول نباشد.^۲

۷- امکان ابطال مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

هر تعریف و قدرتی که برای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قائل باشیم، باید دید که آیا امکان بطلان مصوبات این شورا اساساً قابل تصور می‌باشد یا خیر؟

1. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n14293/>

۲. به عقیده نگارنده باید از تفسیر موسع این موضوع در مسائل حقوقی اجتناب نمود؛ زیرا تفسیر موسع اختیارات رهبری با استناد به نظریه «ولایت مطلقه فقیه» در نهایت می‌تواند در تقابل با قرآن و سنت پیامبر (ص) قرار گیرد؛ در توضیح مطلب و به‌عنوان نمونه می‌توان به ماجرای جنگ احد در صدر اسلام اشاره نمود که وجود نازنین حضرت خاتم (ص) با وجود اینکه تمایلی به جنگ در خارج از مدینه نداشتند، وقتی با نظر مخالف شمار زیادی از جوانان و بزرگان اسلام همچون حمزه (س) در خصوص جنگ در خارج از شهر مواجه گردید، نظر خویش را با وجود عدم تمایل به جنگ در خارج از شهر تغییر دادند و البته شرایطی را نیز برای جنگ در خارج از شهر پیش‌بینی نمودند که در صورت رعایت، می‌توانست منجر به رزمندگان اسلام در میدان نبرد گردد. (واقعی، ۱۴۰۹ هـ. ق، ۱: ۲۱۰-۲۱۳) این ماجرا نمودی آشکار از احترام و توجه اسلام به ارزش نظر مسلمانان در تمامی امور و حتی امور مهمی همچون جنگ است که با جان افراد روبرو است تا خود را فرودست و اشیائی بی‌ارزش در دست فرمانروایان نیندارند؛ لذا به نظر می‌رسد که انجام اقدامات یک‌جانبه و بدون توجه به نظر سایرین و آن‌هم برای مدتی نامعلوم از سوی رهبر جامعه اسلامی در سیره نبوی جای ندارد و استفاده از نظرات اندیشمندان همواره نتایج بسیار شگرفی را برای اسلام و مسلمین به ارمغان آورده که ثمرات جنگ احزاب برای اسلام و مسلمین از نمونه‌های بارز و غیرقابل کتمان عمل به دستور قرآنی «و أمرهم شورا بینهم» است.

بر اساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مرجع عام رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوان عدالت اداری است که می‌تواند پس از بررسی و رسیدگی به موضوع در صورتی که شکایت را وارد بداند، نسبت به صدور رأی و ابطال آن اقدام نماید.

بر همین اساس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری فرمان مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۰۶ حضرت امام خمینی (ره) را تنها مفید در معنای جواز وضع ضوابط و قواعد خاص در امور مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دانسته و هر نوع وضع مقررات خارج از حدود اختیارات شورا را که مغایر قانون اساسی و یا قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی مشاهده نماید، می‌تواند ابطال نماید.

از نمونه‌های این موضوع می‌توان به مصوبه جلسه ۸۳ مورخ ۱۳۶۵/۰۶/۱۱ و یا مصوبه جلسه ۴۳۹ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۲۵ شورا در خصوص سلب حق تظلم خواهی از مرجع قضایی صالح اشاره نمود که توسط دیوان ابطال گردید.

شاید جالب باشد که بدانیم برخلاف این موضوع نیز گرچه عجیب می‌نماید ولی رخ داده است، یعنی رأی دیوان عدالت اداری با مصوبه شورا بی‌اثر گردیده است.

در توضیح مطلب باید بیان نمود که مصوبه جلسه شماره ۳۵۷ مورخه ۱۳۷۴/۰۵/۳۱ به طور واضح مؤید این ادعای نگارنده است؛ چرا دانشگاه آزاد اسلامی اقدام به نقض بخشی از قانون کار نموده بود و دیوان عدالت نیز به ابطال این اقدام پرداخته بود که شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه مذکور عملاً با عدول نسبت به وظایف و اختیارات خویش و با ورود به موضوع، رأی دیوان را ابطال نموده و اقدام دانشگاه آزاد اسلامی را تأیید نمود که از هر زاویه که از منظر حقوقی به موضوع بنگریم، این امر قابل توجیه نخواهد بود؛ البته با برداشت موسع از وظایف و اختیارات شورا و تلقی کلی از فرامین امام (ره) در خصوص شورا به عنوان «ولایت مطلقه امر» چنین رفتارهایی از جانب این شورا در آتیه نیز کماکان قابل توجیه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

شورای عالی انقلاب فرهنگی باسابقه تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و با توجه به فرمان تاریخی امام خمینی (ره) در آذر سال ۱۳۶۳ جهت تعیین خط‌مشی کلی و برنامه‌ریزی در امور فرهنگی و دانشگاهی و به صورت نهادی مشورتی پا به عرصه نظام حقوقی کشور ایران نهاد.

در ادامه، شورای عالی انقلاب فرهنگی با استناد به فرمان مورخ ۶ اسفند ۱۳۶۳ و تلقی فرمان مذکور به‌عنوان «حکم حکومتی» و تفسیر موسع کلام امام (ره) در قالب «ولایت مطلقه امر» که در اصل ۵۷ قانون اساسی به آن اشاره گردیده، توانست تا مصوبات خود را «در حکم قانون» بداند و با نقض انحصار امر قانون‌گذاری که به صورت عام در صلاحیت قوه مقننه و مجلس است، آشکارا با توجه به افزایش شگرف بودجه خویش که در مواردی به نیمی از بودجه مجلس رسیده، افزایش کارکنان و گسترش فعالیت‌های خود و با عدول از وظایف اختیارات خویش به نهادی موازی با مجلس مبدل گردید که انتقاداتی را به خود به همراه داشته است.

تبدیل مذکور بدون رعایت هیچ‌گونه مقرانی صورت گرفت، چنانکه با توجه به عدم اقبال نمایندگان مجلس در به رسمیت شناختن شورا و عدم تصویب قانونی خاص برای تشکیل رسمی آن، این نهاد به دلیل عدم رسمیت در قانون اساسی و یا قانون مصوب مجلس، در سلسله مراتب اداری فاقد جایگاهی مشخص بوده و علاوه بر اینکه شورای نگهبان بر مصوبات آن نظارتی ندارد، شورا نیز تمایلی به پاسخگویی در قبال اعمال خود ندارد؛ چنانچه مصوبه مربوط به جلسه ۸۳ این شورا مورخ ۱۳۶۵/۰۶/۱۱ متضمن همین معناست که در نهایت به واسطه رأی دیوان عدالت اداری و مغایرت با قانون اساسی ابطال گردید که این خود حاکی از امکان ابطال مصوبات این شورا توسط دیوان می‌باشد.

کما اینکه قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ۱۳۹۲ نیز در ماده ۱۲ نامی از شورای مذکور به‌عنوان استثنا بر حدود اختیارات دیوان عدالت اداری به میان نیاورده و طرح «اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» نیز که همچون ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ در صدد استثنای شورای عالی انقلاب فرهنگی در کنار شورای عالی فضای مجازی بود و در مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ با این استدلال که در زمره اختیارات رهبری مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی می‌باشد، از سوی مجلس تصویب شده بود، پس از مدتی کوتاه و حتی پیش از ارائه نظر شورای نگهبان در مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام

بررسی و با استدلال مغایرت مصوبه اخیر با سیاست‌های کلی نظام، موضوع استثنای شمول اختیارات دیوان در خصوص دو شورای مذکور رد شد.

لذا با تفسیر منطقی کلام حضرت امام (ره) و بیان اینکه: «ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌نمایند، (در مواردی که نیاز به همکاری و دخالت قوه قضائیه داشته باشد، چنانچه مغایر سایر قوانین نباشد) باید (از سوی قوه قضائیه به آن) ترتیب آثار داده شود؛ (لیکن با توجه به انحصار عام مجلس در امر قانون‌گذاری، در حد قانون دانستن مصوبات شورا مغایر با قانون اساسی و خالی از وجه است.)» به نظر نگارنده راه‌حل معقول و منطقی موضوع از منظر حقوق این است فعالیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد تا در لوای قوه مجریه و به‌عنوان زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تعیین حدود و صغور فعالیت‌های آن که البته می‌تواند با مقاومت‌هایی مواجه گردد، فعالیت‌های خویش را در جهت سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی و همچنین در قالب لوایح از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و یا از سوی رئیس‌جمهور به مجلس ارائه نماید تا در صورت داشتن شرایط لازم و پس از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان و بر اساس سازوکاری مشخص منتشر شده و وصف اجرایی کسب نماید تا از این رهگذر علاوه بر تأمین فرمان امام خمینی (ره) و انجام مطلوب وظایف و اختیارات شورا، نسبت به قانون و اصل تفکیک قوا نیز تمکین نموده باشد تا موجب اعتمادسازی هرچه بیشتر آحاد مردم نسبت به حکومت گردد.

فهرست منابع

۱- فارسی

۱. قرآن کریم
۲. امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۸۱، سیاست‌های کلی نظام در پرتو اصل حاکمیت قانون و جمهوریت، مجله راهبرد، شماره ۲۶. (صفحه ۷۰ تا ۹۰)
۳. شریف، محمد، ۱۳۸۴، جایگاه قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرتبه مصوبات آن، مجله حقوق و سیاست، دوره ۷، شماره ۱۵ و ۱۶. (صفحه ۲۱۳ تا ۲۴۸)
۴. عباسی، بیژن؛ سهرابلو، علی؛ ۱۳۹۵، شوراهاى محلی و کارکرد وضع قواعد عام‌الشمول؛ بررسی نظریات شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۲. (صفحه ۱۱ تا ۳۱)
۵. غمامی، سید محمد مهدی؛ خدامرادی، کمال؛ هادی‌زاده، علی، ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی تعدد نهادهای قانون‌گذاری در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه شهر قانون، شماره ۱۸. (صفحه ۹۵ تا ۱۱۸)
۶. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، ۱۳۹۰، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.
۷. مرادخانی، فردین؛ تکلو، سمیه، ۱۴۰۰، تعدد نهادهای قانون‌گذاری با تأکید بر جایگاه مصوبات شورای عالی فضای مجازی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره ۱۲، شماره ۲۲. (صفحه ۲۵ تا ۶۷)
۸. مصطفوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، صحیفه امام، جلد ۱۲، تهران: انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. واقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ هـ.ق، المغازی، جلد ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۰. هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۱، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان.
۱۱. قانون اساسی
۱۲. قانون دیوان عدالت اداری

۱۳. مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی
 ۱۴. مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی
 ۱۵. قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵
 ۱۶. آئین نامه داخلی مجلس مصوب ۱۳۶۱
 ۱۷. قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶
 ۱۸. ماده واحده قانون تعیین وضعیت استخدامی شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۵
 ۱۹. قانون بودجه سال ۱۳۹۷
 ۲۰. قانون بودجه سال ۱۳۹۹
 ۲۱. قانون بودجه سال ۱۴۰۱
 ۲۲. پایگاه رایانه‌ای پژوهش‌های مجلس
23. www.shora-gc.ir/fa/news/7992/
 24. www.irna.ir/news/84748733/
 25. www.imam-khomeini.ir/fa/n22641/
 26. www.farsnews.ir/news/13960502001574/

2- Latin

1. Holy Quran
2. Amir Arjamand, Ardeshir, 2013, the general policies of the system in the light of the rule of law and democracy, Strategy magazine, number 26. (pages 70 to 90)
3. Abbasi, Bijan, Sohrablo, Ali, 2015, local councils and the function of setting general rules; Examining the views of the Guardian Council and the Administrative Court of Justice, Administrative Law Quarterly, Year 2, Number 2. (Pages 11 to 31)
4. Sharif, Mohammad, 1384, the legal status of the Supreme Council of the Cultural Revolution and the order of its approvals, Law and Politics Magazine, Volume 7, No. 15 and 16. (Pages 213 to 248)

5. 5. Ghamami, Seyyed Mohammad Mahdi; Willingness, perfection; Hadizadeh, Ali, 2015, Pathology of the plurality of legislative institutions in the legislative system of the Islamic Republic of Iran, ShahrQonun Quarterly, No. 18. (Pages 95 to 118)
6. 6. QaziShariatPanahi, SeyyedAbolfazl, 2013, Essentials of Basic Rights, Tehran: Mizan Publications.
7. 7. Moradkhani, Fardin; Teklo, Samiyeh, 1400, the plurality of legislative institutions with an emphasis on the position of the Supreme Council of Cyber Space in Iran's legal system, Contemporary Comparative Law Studies Quarterly, Volume 12, Number 22. (Pages 25 to 67)
8. 8. Mostafavi Khomeini, SeyyedRuhollah, 1385, Imam Khomeini's Book, Volume 12, Tehran: Publications of the Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).
9. Waqidi, Muhammad bin Omar, 1409 A.H., Al-Maghazi, Volume 1, Beirut: Est. Al-Alami Press.
10. Hashemi, Seyyed Mohammad, 2013, Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran, Volume 2, Tehran: Mizan Publications.
11. Constitution
12. Administrative Court Law
13. Approvals of the Cultural Revolution Headquarters
14. Approvals of the Supreme Council of Cultural Revolution
15. National employment law approved in 1345
16. The internal regulations of the parliament approved in 1361
17. Public Accounts Law approved in 1366
18. The single article of the Law on Determining the Employment Status of the Supreme Council of the Cultural Revolution approved in 1375
19. Budget Law of 2017
20. 2019 budget law
21. Budget Law of 1401
22. Computer database of Assembly researches
23. www.shora-gc.ir/fa/news

24. www.irna.ir/news
25. www.imam-khomeini.ir
26. www.farsnews.ir/news/

The Position of the Approvals of the Supreme Council of the Cultural Revolution in the Hierarchy of Legal Rules

Abstract

Observance of the law by all parts of the government is essential and action against it is unforgivable, and if this action is with the permission of government institutions, it will cause people to distrust the ruling system. The Supreme Council of the Cultural Revolution, which was established in 1984 by the order of Imam Khomeini to assist and consult with other three branches, especially the executive branch in cultural and academic affairs. However, in some cases, by deviating from his duties and powers, he has attempted to legislate. Therefore, the present study seeks to answer the position of the resolutions of this council in an analytical-descriptive manner and in an argumentative manner, in order to put an end to some of the existing questions and criticisms. Of course, it seems that the only legal and reasonable solution is the recognition of the council and the approval of the limits of its duties and powers by the representatives of the nation in the Islamic Consultative Assembly so that this council becomes a legal institution. Eventually, the council will be able to continue its activities as a subset of the executive branch in policy-making and the issuance of government regulations on cultural issues.

Keywords: Supreme Council of the Cultural Revolution, Supreme Leader's Decree, Constitution, Legislation, Islamic Consultative Assembly.